



Volume 2, Issue 4, 2022

The Right of Litigants to Be Aware of Their Rights in Criminal Procedure Act

Azam Soroushnejad¹, Ahmad Ramezani^{*2}, Mansour Atasheneh³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Science and Culture, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, University of Chamran, Ahvaz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 47-57

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3644-3797

TELL: +989107030091

Email: ramezani@usc.ac.ir

Article history:

Received: 21 Oct 2022

Revised: 12 Nov 2022

Accepted: 04 Dec 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

*Rights of Litigants, Accused,
Victim.*

ABSTRACT

Observing the rights of litigants in the criminal justice system indicates the importance that governments attach to fair trials. The legislator in the Criminal Procedure Code of 2013 seeks to give equal possibility to all parties to the dispute. The right to know a right in many cases is not less important than that right, because many rights are not enforced because they are not known, and the parties cannot defend their rights in a timely manner, and as a result, they become confused. Since most of the plaintiffs, defendants, and witnesses of cases are ordinary persons who do not have the necessary knowledge of these rights, the legislator has obliged the legal authorities, which is one of the most important instances of civil rights, to exercise these rights and obliges the judicial authorities to inform the persons mentioned above.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Soroushnejad, A; Ramezani, A & Atasheneh, M (2022). "The Right of Litigants to Be Aware of Their Rights in Criminal Procedure Act". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 47-57.



مقدمه

با تدقیق در محتوای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌توان حساسیت مقنن ایرانی را نسبت به رعایت دقیق اختیارات و تکالیف مقامات قضایی و ضابطان دادگستری برحق تفهیم حقوق بزه‌دیده- بزه‌کار، گواهان و سایر افراد ذی‌نفع در پرونده‌های کیفری، کاملاً لمس نمود. مفاد این قانون بیان‌گر موثکافی مقنن از اصول بنیادین حاکم بر تفهیم حقوق طرف‌های دعوا و پرداختن به جلوه‌هایی از حق مذکور برای طرف‌های دعوا در فرایند دادرسی کیفری می‌باشد. قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اصول بنیادین حاکم بر تفهیم حقوق طرف‌های دعوی در فرایند دادرسی کیفری را به صورت جامع و نظام‌مند در فصل اول از بخش اول یعنی پس از تعریف آیین دادرسی کیفری در مواد ۵ و ۶ و ۷ پیش‌بینی نموده است. این اصول به‌عنوان ریشه، روح و هدف قانون، بهترین منبع برای تفسیر مقررات قانون در صورت سکوت، اجمال، ابهام و یا تعارض است. بنابراین تأکید بر این اصول بنیادین در مواد مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۹۲ جدای از جنبه آموزشی و فرهنگی آن، ابزار تفسیر صحیح قانون در جهت پاسداری، بیان اصول و مبانی اساسی دادرسی و معیار، مبنایی مهم برای سنجش و ارزیابی اعتبار تصمیمات قضایی و راهنمای عالمان حقوق در تفسیر آرای قضایی و مقررات قانونی به حساب می‌آیند. این دسته از اصول، ناظر بر حمایت از حقوق و آزادی‌های متهمان و بزه‌دیدگان و سایر افراد ذی‌ربط می‌باشد که باید در فرایند دادرسی کیفری رعایت گردند. مع الوصف قضات محترم در روند رسیدگی در صورت بروز احدی از آحاد چالش مذکور با استناد و استنباط از متن و روح اصول مذکور به‌عنوان ابزار تفسیر باید طوری تفسیر کنند که این اصول رعایت شوند و خدشه‌ای به آن‌ها وارد نشود چون این اصول جنبه الزامی دارند و کل مقررات توسط مقنن و دستگاه قضایی باید حول محور این اصول مورد مذاقه قرار گیرند (ونکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵).

طبق قواعد موجود در فرایند دادرسی‌های کیفری، از مرحله کشف جرم تا اجرای احکام کیفری بر رعایت اصول دادرسی به‌ویژه اصول تأمین‌کننده حقوق اصحاب دعوا و تضمین‌کننده کرامت انسانی آنان تأکید می‌گردد. احترام به همین اصول

است که دادرسی کیفری را پویا، قابل پذیرش و کارآمد می‌کند. بسیاری از اصول و قواعد دادرسی‌های کیفری بیان‌گر تکالیف و حقوق تابعان حقوق هستند؛ تا آنجا که از این قواعد و اصول با تعبیر «اساسی»، «راهبردی» و «بنیادین» نام برده می‌شود. همچنین پاسداشت این اصول و رعایت آن‌ها خود بیان‌گر جلوه‌ای از وجود و رعایت دادرسی عادلانه است؛ دادرسی‌ای که با تأکید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقی است که جز در پرتو رسیدگی‌های قضایی در مراجع قانونی، مستقل و بی‌طرف و در چارچوب رعایت اصول و قواعد دادرسی، همراه با تضمین حقوق قانونی طرفین دعوا، محقق نخواهد شد (تدین و خانجانی، ۱۳۹۵: ۴۱).

برابر ماده ۵ قانون آیین دادرسی مصوب ۹۲: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». ماده ۶ این قانون مقرر می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». ماده مذکور این حق را به صورت کلی و مطلق به متهم، شاهدین و بزه‌دیدگان و سایر افراد ذی‌ربط تسری داده است. همچنین این ماده قانونی صراحت دارد بر این که سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق باید مهیا گردد. این ماده در صدد بیان سازوکارهای اجرایی و نحوه آگاهی افراد ذی‌نفع از حقوق خود در فرایند دادرسی نیست، بلکه به‌عنوان یک اصل کلی و راهبردی دادرسی کیفری بر وجود این حق تأکید می‌کند (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود صراحت قانون بر تمهید سازوکارهای رعایت و تضمین حق آگاهی‌بخشی از حقوق اصحاب دعوی و همچنین مرتبطین با آن، در جریان دادرسی است. منظور قانون‌گذار از سازوکارها، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری بوده است که می‌تواند در قالب رهنمودهای دادستان، قاضی و... یا به نحو دیگر در مجموعه اداری دادگاه اندیشیده شود. ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری باید به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری در کنار ضمانت اجرای انتظامی و مدنی در برخی موارد، مورد استفاده قرار داده شود. طبق این ماده: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در (قانون احترام به آزادی‌های

بی‌اعتمادی مردم از یک طرف و محدود کردن وظایف شغلی مأمورین نیروی انتظامی توسط دادگستری می‌شود (وردی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۱).

شایسته بود به جرایم غیرمشهود نیز به جهت تضمین بیشتر حقوق شخص اشاره می‌شد. لیکن با توجه به مواد ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است» که در ماده ۱۹۵ قانون مذکور: «بازپرس ... موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند...» به تفهیم اتهام بدون تفکیک میان جرایم مشهود و غیرمشهود توسط بازپرس پرداخته است، چنین برداشت می‌شود که تفهیم اتهام و ادله آن در جرایم غیرمشهود هم جاری است (کوشکی و سهیل‌مقدم، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

در صورت تغییر عنوان جرم اتهامی، متهم باید از حق خود مبنی بر تفهیم اتهام مجدد، مطلع گردد. آنچه که در زمینه تفهیم اتهام نسبت به قانون سابق تازگی دارد را می‌توان در ماده ۵ قانون ق.آ.د.ک یافت: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود» و همچنین در ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید ملاحظه کرد که مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

بنابراین تفهیم عنوان اتهامی نیز از مهم‌ترین حقوق متهم چه در مرحله تحقیق و چه در مرحله رسیدگی است تا وی بداند، تحت چه عنوانی و با چه دلیلی در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است، تا بتواند به نحو شایسته‌ای از خود دفاع کند. حتی عنوان اتهامی هم باید به‌درستی به متهم تفهیم شود.

با توجه به اینکه حق تفهیم اتهام و ادله آن در ماده ۴۶ قانون مذکور به صراحت آمده ولی متأسفانه مقنن ضمانت اجرای صریحی در موردش در نظر نگرفته است که با برداشت از ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری که از ضمانت اجرای ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ (سه ماه تا یکسال انفصال از

مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵) از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) ثانوی مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۴/۴/۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد»

۱- جایگاه تفهیم حقوق به متهم در قانون آیین دادرسی کیفری

۱-۱- تفهیم اتهام

تفهیم درست و دقیق اتهام و آگاهی از ماهیت واقعی آن می‌تواند مقدمه ضروری برای دفاع از اتهام قلمداد گردد. از این‌رو است که ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کلی بیان می‌دارد: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود».

۱-۱-۱- تفهیم اتهام توسط ضابطین دادگستری

ضرورت و الزام تفهیم و ابلاغ فوری و کتبی موضوع اتهام و دلایل آن به متهم برابر اصل ۳۲ قانون اساسی که ناظر بر اقدامات ضابطان دادگستری است مقرر می‌دارد که: «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود...» و ماده ۴۶ تنها به تفهیم اتهام در جرایم مشهود، در صورتی که نگهداری شخص برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، اشاره نموده است. ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». با این وجود، آمارها و اطلاعات موجود در کلانتری و دادگستری‌ها نشان می‌دهد که مأموران انتظامی بدون توجه به این موضوع برخورد و با انحراف از اصول مربوط به تفهیم اتهام، افراد را بازداشت می‌کنند، که این موضوع موجب

خدمات دولتی) برخوردار است، می‌توان به‌عنوان تضمین تفهیم حق مذکور در مرحله تحت نظر در نظر گرفته شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۹).

۱-۱-۲- تفهیم اتهام توسط مقامات قضایی

اتهام، وقتی تفهیم شده محسوب می‌شود که اولاً: «تفهیم رفتار به شکل قابل فهم به متهم انجام شود به‌طوری که متهم متوجه فعل مجرمانه انتسابی به وی شود». بنابراین صرف تفهیم عناوین مجرمانه مذکور در قانون که گاه برای شهروندان قابل فهم نیست، تفهیم اتهام محسوب نمی‌شود. به‌دلیل این‌که همه متهمین، حقوقدان نیستند تا معنای دقیق عناوین قانونی را بدانند و از سوی دیگر، بر سر عناوین مصرح قانونی نیز میان حقوقدانان، اشتراک و وحدت نظر وجود ندارد. ثانیاً: «دلایل اتهام انتسابی نیز باید به متهم توضیح و تفهیم شود». بنابراین صرف نوشتن اتهام و یا تفهیم اتهام صرفاً با این قید که: «شکایت شاکی قرائت شد چه دفاعی دارید؟» تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

تفهیم اتهام به متهم از چنان اهمیتی برخوردار است که ماده ۵ این قانون به‌عنوان یک اصل مقرر می‌دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». در خصوص تفهیم اتهام توسط بازپرس در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ چنین آمده است: «بازپرس ... موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند ...». علاوه بر این به‌موجب ماده ۲۱۳ قانون مزبور: «تفهیم اتهام به کسی که به‌عنوان متهم احضارنشده، از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنان‌چه، این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به‌عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود».

طبق مواد ۲۰۹ و ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، باید تفهیم حرمت و مجازات شهادت دروغ توسط مقام قضایی قبل از شروع تحقیق به او انجام شود. ماده ۲۰۹: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند و...»

در مواردی که مقنن صراحتی در مورد تفهیم اتهام به متهم و ادله آن نداشته باشد، باید به ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید به‌عنوان یکی از اصول راهبردی مهم استناد شود. صرف تفهیم اتهام کفایت نمی‌کند، بلکه باید با دلیل و مستدل، این اتهام را به متهم تفهیم کرد که به چه علت و دلیلی فرد مورد اتهام واقع شده است و این علت‌ها و دلایل نیز توجیه‌پذیر و منطقی باشد تا از تفهیم اتهام واهی و بی‌دلیل به متهم خودداری گردد. آنچه مسلم است تصمیمات شتابزده و اتهام وارد کردن سریع و بی‌دلیل به دیگری امری نامعقول بوده و مورد پذیرش عقل نیست (طالبی، ۱۳۹۷: ۶۹).

در ماده ۱۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ ضمانت اجرایی برای تخلف بازپرس از تکلیف تفهیم اتهام و ادله آن بیان کرده که موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. همچنین می‌توان ضمانت اجرای کیفری مقرر در ماده ۷ این قانون را جاری دانست (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۷).

۱-۲-۲- تفهیم حق داشتن وکیل

۱-۲-۱- تفهیم حق داشتن وکیل به متهم توسط ضابطین دادگستری

طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به مجرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد».

از اطلاق عبارت صدر ماده ۴۸ مبنی بر «با شروع تحت نظر قرار گرفتن» چنین استنباط می‌گردد که برخورداری از این حق شامل تمامی متهمین تحت نظر، اعم از اینکه در جرایم مشهود باشد یا در راستای جلب از سوی مقام قضایی، می‌شود. با توجه به عدم تصریح تکلیف تفهیم حق داشتن وکیل به متهم توسط ضابطین دادگستری می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که در راستای اجرای مقررات ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است»، ضابطان نیز همانند تکلیف بازپرس در

ذکر این نکته لازم است که اصل حق داشتن وکیل و تفهیم این حق به متهم دو موضوع متفاوت‌اند و به همین علت در ماده ۱۹۰ به هر دو موضوع اشاره شده است. حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی به اندازه‌ای اهمیت دارد که لازم است بازپرس در احضاریه‌ای که برای متهم ارسال می‌کند، علاوه بر مندرجات معمولی آن به این حق نیز اشاره نماید و پس از حضور و قبل از بازجویی، این حق را به او تفهیم کند (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۷).

۱-۳- تفهیم حق سکوت

ممکن است در صورتی که متهم از وجود چنین حقی برای خودآگاه شود، سکوت اختیار نماید تا بتواند شرایط دفاعی بهتری چون جمع‌آوری ادله و یا حضور وکیل و مشاور حقوقی را برای خود مهیا سازد و یا آن‌که هنگامی که مقام قضایی وجود چنین حقی را به او گوشزد می‌کند، هر سخنی را بر زبان نیاورد و مراقب آن باشد. این مطلب را پژوهش‌های میدانی نیز مورد تأیید قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که براساس مطالعه انجام شده در یک جامعه آماری معین از متهمان در پاسخ به این پرسش که: «اگر پلیس، حق سکوت را رعایت می‌نمود، شما باز هم به سؤالات او در بازجویی پاسخ می‌دادید یا خیر؟» بیست و هشت نفر از متهمان که ۹۳٪ جامعه نمونه را تشکیل می‌دادند، اذعان داشتند که اگر پلیس چنین حقی را بر آن‌ها قائل می‌شد، به‌هیچ‌وجه پاسخی به سؤالات نداده و سکوت اختیار می‌کردند (طالبی، ۱۳۹۷: ۶۹).

طبق ماده ۱۹۷ آیین دادرسی کیفری «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود». بنابراین قوه قانون‌گذاری کشور در قانون جدید آیین دادرسی کیفری به صراحت و با جدیت تمام این حق سکوت را برای متهم در مرحله نزد بازپرس ملحوظ دانسته است. گفتنی است که برخورداری از حق سکوت در زمان تفهیم اتهام توسط مقام قضایی اختصاص ندارد؛ بلکه در تمام مراحل دادرسی جاری است. حال بدیهی است طبق ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است». رعایت این ماده برای ضابطین و پلیس نیز در مرحله

ماده ۱۹۰، مکلفند که حق داشتن وکیل را به شخص در آغاز مرحله تحت نظر تفهیم کنند. عدم تفهیم این حق توسط ضابطان دادگستری در شروع تحت نظر در قانون جدید ضمانت اجرا ندارد (رحیمی و رحیمی دهسوری، ۱۳۹۶: ۶۱). ولی با استنباط از ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری که به صورت کلی برای عدم تفهیم حقوق متهمان در مرحله تحت نظر ضمانت اجرای ماده ۶۳ را اعمال می‌کنند، می‌توان این ضمانت اجرا را در مورد عدم تفهیم حق داشتن وکیل، به متهم توسط ضابطان در مرحله تحت نظر اجرا کرد.

همین‌طور مواد ۶ و ۷ این قانون به‌عنوان اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری، تفهیم حقوق متهم و فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین این حق را در همه مرحله‌های فرایند کیفری پیش‌بینی کرده است. در ماده ۷ قانون جدید آمده است: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر (قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵) از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد شده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تجزیرات و مجازات‌های بازدارنده) محکوم می‌شوند، مگر آن‌که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

۱-۲-۲- تفهیم حق داشتن وکیل توسط مقامات قضایی

قانون‌گذار جهت رعایت تفهیم حق داشتن وکیل به متهم، در مرحله تحقیقات مقدماتی در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌دارد که: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس قید می‌شود.» و طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری «سلب و یا عدم تفهیم حق همراه داشتن وکیل به متهم به‌ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.»

تحقیقات و مدت تحت نظر الزامی است (ورائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

علاوه بر این طبق ماده ۱۹۷: «چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود...» که مربوط به تحقیقات مقدماتی است؛ در مرحله محاکمه، طبق بند ۳۵۹: «در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم یا وکیل آنان معرفی می‌کنند، استماع می‌نماید.» به این امر تصریح کرده است. در هنگام بازجویی مقدماتی نزد ضابطان دادگستری نیز، ضرورت رعایت این حق، از ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری (تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است) استنباط می‌شود (صبری، ۱۳۹۵: ۷۴).

شاید گفته شود ماده ۱۹۵ و ۳۶۹ تلویحاً اشاره دارد به تفهیم حق سکوت، در صورتی که این مواد قانون آیین دادرسی کیفری تنها به این مطلب اشاره دارد که مقام قضایی مکلف است به متهم تفهیم کند «مواظب اظهارات خود باشید»؛ جمله‌ای که بسیار مورد علاقه مقنن ایرانی است. به‌هرحال این جمله مقنن، هیچ‌گاه به معنای تفهیم حق سکوت نیست. معنای جمله مذکور، یعنی حرف‌هایی که می‌زنید سنجیده باشد که دقیقاً برخلاف سکوت است. بهتر بود در قانون جدید، تفهیم حق سکوت در نظر گرفته می‌شد تا این ابهامات از بین برود (ورائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

به رغم عدم تصریح حق مذکور در ماده ۱۹۷ قانون جدید، با توجه به شناسایی «اختیار متهم در سکوت» به‌عنوان یک حق به طور صریح در ماده ۱۹۷ از یک‌سو و «لزوم آگاهی متهم از حقوق خود در فرایند دادرسی» و «لزوم رعایت و تضمین این حقوق» در ماده ۶ قانون یادشده، می‌توان اظهار داشت که مقامات قضایی مکلفند حق متهم در سکوت اختیار کردن را به او اعلام و تفهیم نمایند. بنابراین بدین نحو می‌توان گفت که حق اعلام اختیار سکوت از سوی متهم در قانون جدید

شناسایی شده است ولی عملاً اجرا نمی‌شود (قاسمی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

۲- تحولات حمایت از حقوق بزه‌دیده در آیین دادرسی کیفری

در فرایند دادرسی برای بزه‌دیده حقوقی مقرر شده است که چنانچه از آن‌ها مطلع نباشد، ممکن است اسباب عدم اجرای آن‌ها مهیا شود. بر همین اساس اطلاع از این حقوق خود به‌عنوان حق مستقلاً در این قانون مقرر شده است. در ابتدای ماده (۶) به‌عنوان یک اصل کلی مقرر شده است که: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». در اجرای این اصل کلی، حسب مورد در مرحله کشف، تعقیب و تحقیقات مقدماتی قانون‌گذار در صدد مهیا کردن زیرساخت‌های تقنینی و اجرا برای تحقق این حق در مورد بزه‌دیده است (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۷-۲۸). مواردی از حمایت و خلأهای تقنینی و اجرایی تفهیم حقوق بزه‌دیدگان از جرم در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی به شرح زیر ارایه می‌شود.

۲-۱- حق اطلاع شاکی یا وکیل وی از محتویات پرونده (آگاهی یافتن از جریان پرونده)

ابلاغ وقت رسیدگی و اوراق قضایی و ابلاغ رأی به شاکی و مدعی خصوصی یا وکلای آنان و همچنین تعرفه شهود و ارائه ادله خود و درنهایت تهیه رونوشت از صورت‌جلسات تحقیقات مقدماتی به شرط عدم تعارض با محرمانه بودن تحقیقات در زمره حداقل حقوقی است که در چارچوب اصل اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده در قانون ذکر شده است.

هرچند ماده ۱۰۰ قانون با پذیرش اصل دسترسی به پرونده و آگاهی‌یافتن از محتویات آن بیان می‌دارد که: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد» لیکن طبق تبصره ۱ به بازپرس اجازه می‌دهد که مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده که منافای با

ضابطان باید تکلیف مقرر در ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر آگاه‌ساختن شاکی از بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی را به نحوی به انجام رسانند که قابل اثبات و احراز باشد. بنابراین به نظر می‌رسد در صورت انجام این تکلیف به‌طور شفاهی باید مراتب در صورت‌جلسه قید و به‌امضای شاکی برسد، مگر آن‌که به‌طریق دیگری موضوع قابل اثبات باشد. بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی که محروم نمودن افراد ملت از حقوق مقرر در قانون اساسی را مستوجب مجازات می‌داند، اگر محکمه‌ای شاکی را از حق داشتن وکیل محروم نماید، طبق این ماده قابل تعقیب و مجازات است. متأسفانه ضابطان دادگستری با وجود صراحت ماده به تکلیف تفهیم جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدت‌های حقوقی، این حق را تفهیم نمی‌کنند یا رویه نادرستی مانند دادن فرم چاپی بدون قرائت تفهیم این حقوق برای بزه‌دیده درپیش می‌گیرند (رحیمی و رحیمی دهسوری، ۱۳۹۶: ۶۱۱).

۲-۳- حق مطلع شدن بزه‌دیدگان خاص از کمک‌های سازمان‌های غیر دولتی (مردم‌نهاد)

براساس قانون جدید، پاره‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی درخصوص اعضای مورد حمایت خود اعلام جرم نمایند^۲ که همسو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری، در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت‌دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در این امر وضع شده است. توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت این سازمان در جامعه است. به همین ترتیب سخت‌گیری در تشکیل و فعالیت این سازمان‌ها نیز مانعی مهم در مشارکت آن‌ها در فرایند مذکور است. در صورت رفع موانع و محدودیت‌ها، ماده ۶۶ دو محدودیت برای مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد پیش‌بینی کرده است. اولاً، حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به شرح مذکور در ماده ۶۶ حصری

ضرورت کشف حقیقت است را با صدور قرار مقتضی رد نماید.^۱ بنابراین اصل بر مطالعه پرونده است و عدم مطالعه استثناء است که موارد استثناء را قانون‌گذار در ماده مذکور مشخص نموده است. ولی به تفهیم این حق به متهم توسط مقامات قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح نشده است و در رویه قضایی نیز حق مذکور تفهیم نمی‌شود. از آنجایی که قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، هدف خود را رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه دانسته است در ماده ۶ بر اطلاع‌رسانی درباره حقوق متهم، بزه‌دیده و سایر افراد ذی‌ربط در فرایند دادرسی و سازوکارهای رعایت و تضمین آن‌ها تأکید نموده است لذا ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند در فرایند دادرسی کیفری، بزه‌دیدگان را از حقوق قانونی خود مطلع ساخته و حمایت‌های حقوقی - قضایی لازم را به آن‌ها ارائه نمایند. اعمال برخی از تدابیر قضایی مانند تعلیق تعقیب یا میانجی‌گری به موافقت و گذشت شاکی خصوصی منوط گردیده است که رسیدن به این رضایت مستلزم آگاهی یافتن شاکی از جریان دادرسی و محتویات پرونده است (ونکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵).

۲-۲- تفهیم شاکی به حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدت حقوقی

طبق ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.» درماده مذکور ضابطان مکلف هستند که شاکی را از حقوق خود مطلع کنند که عبارت است از: «۱- حق درخواست جبران خسارت، ۲- بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود، ۳- سایر خدمات حقوقی، ۴- ضمانت اجرای این ماده، ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری است.»

^۱ - در صورت درخواست شاکی، چنان‌چه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

^۲ - ماده ۶۶ تبصره ۲: «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.»

سازند. مقامات قضایی در چارچوب معاضدت‌های حقوقی و قضایی به بزه‌دیدگان و اطلاع‌رسانی به آن‌ها می‌توانند دستور ارجاع امر به کارشناس یا استفاده از مترجم یا معاضدت وکیل در فرایند تحقیقات مقدماتی یا دادرسی را صادر نمایند. هرچند موضوع استفاده از وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی برای بزه‌دیده پیش‌بینی نشده و این موضوع فقط محدود به مرحله دادگاه شده و از این لحاظ اصل هم‌ترازی حقوق طرفین رعایت نشده است (باقری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۶۱).

نتیجه‌گیری

تحقق دادرسی عادلانه مستلزم تفهیم حقوق طرف‌های دعوی از سوی ضابطان دادگستری و مقامات قضایی است. جهت تحقق این هدف، آیین دادرسی کیفری جدید جایگاه ویژه‌ای برای این حق مخصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی قائل شده است. مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای طرف‌های دعوی با وجود اشکالات و ایرادات، از جنبه‌های مثبت بسیاری در رعایت حق آگاهی طرف‌های دعوی از حقوقشان در تضمین دادرسی عادلانه برخوردار است. در حوزه تقنینی در موادی به تفهیم صریح حقوق متهم، بزه‌دیده و شاهد اشاره کرده است. ولی در خیلی جاها به علت غفلت، فراموشی یا بدیهی دانستن حق طرف‌های دعوی بر آگاهی از حقوقشان، مقرراتی به شفافیت وضع نشده و نقایص و کاستی‌هایی تحت عنوان ابهام، اجمال، تعارض و سکوت در قانون ملحوظ نظر است. ازجمله حقوقی که تکلیف تفهیم حقوق در آن‌ها تصریح نشده است، مواد ۴۸، ۵۰، ۵۱ و حق سکوت در نزد بازپرس (ماده ۱۹۷) است. مقنن صراحتی در مورد حق سکوت در مرحله تحت نظر و تفهیم این حق متهم توسط ضابطان و مقامات قضایی بیان نکرده است. برای حل این معضل، رویه قضایی با تفسیر دقیق مواد ۵، ۶، ۵۲، ۶۱ و... از قانون جدید بر تکلیف ضابطان دادگستری و مقامات قضایی در تفهیم حقوق نقش مهم و ارزنده‌ای دارد. قانون‌گذار در چارچوب حمایت مؤثر از حق آگاهی طرف‌های دعوا به‌عنوان بخشی از قواعد حقوقی در مراحل مختلف دادرسی کیفری ضمانت اجرایی پیش‌بینی کرده است که جنبه شخصی داشته و طیف گسترده‌ای از تدابیر کیفری و مدنی، اداری - انتظامی را دربر می‌گیرد. ضمانت اجرایی چون

بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات) نمی‌شود در راستای این محدودیت قانون‌گذار اسامی آن‌ها را محدود به فهرستی نموده که توسط مقامات قوای مجریه و قضائیه تهیه می‌شود. ثانیاً، دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرایم دارای بزه‌دیده خاص منوط به موافقت او یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی او است. رعایت این ترتیب برای اخذ موافقت (خود بزه‌دیده، و در صورت حجر، ولی او، بعد قیم، سپس سرپرست قانونی او) لازم است. منظور از بزه‌دیده خاص نیز بزه‌دیده معین قابل تعیین است و دلالتی بر انحصار حکم تبصره ۱ به جرایم قابل گذشت ندارد (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۷). در بعضی موارد این نوع بزه‌دیدگان ظاهراً تحت حمایت و پوشش هیچ نوع سازمانی (به‌لحاظ عدم آگاهی کافی آن‌ها از این حمایت‌ها) نیستند. احتمال اینکه افراد غیر شهرنشین از این خدمات (حمایت سازمان‌های غیر دولتی) برخوردار نباشند، زیاد است و از طرفی صرف اعلام جرم و تعقیب دعوا کفایت نمی‌کند، بلکه آنچه مهم است ارائه خدمات به این نوع بزه‌دیده و همراهی آن‌ها در فرایند عدالت جنایی است، چراکه بزه‌دیده پس از وقوع دچار تشنگی و اختلالاتی در عملکرد روزمره زندگی شده است. البته همه دستورات این ماده بر متهم تحمیل نمی‌شود بلکه ذکر شده که دادستان می‌تواند اجرای برخی از دستورات را بخواهد (باقری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۶۱).

با وقوع جرم، بزه‌دیده و قربانی جرم می‌تواند در راستای احقاق حقوق خود و تلاش برای جبران ضرر و زیان ناشی از آن «شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند». در این راستا، بر اساس ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند». همچنین، از آن‌جا که بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری، برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در خصوص اعضای مورد حمایت خود اعلام جرم نمایند و در این چارچوب به آنان کمک‌رسانی کنند، تبصره ۲ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری و مقامات قضایی را مکلف نموده است این دسته از بزه‌دیدگان را از کمک‌های سازمان‌های مردم‌نهاد مطلع

اعمال ماده ۶۳ به‌عنوان مجازات انتظامی ضابطان دادگستری در صورت تخلف از اجرای مواد ۵۲، ۳۸ و ضمانت اجرای ماده ۱۹۰ طبق تبصره ۱ این ماده مجازات انتظامی درجه سه برای مقام قضایی، محکومیت انتظامی بازپرس تا درجه چهار ضمانت‌اجراهای مواد ۱۹۴ و ۱۹۵ و ... این دسته از ضمانت‌اجراها برخلاف تضمینات مربوط به جریان دادرسی، علیه مسؤولین و مقامات درگیر در فرایند دادرسی کیفری که با عملکرد خود، باعث نقض و عدم رعایت این اصل بنیادین در مراحل مختلف دادرسی می‌شوند، اتخاذ می‌گردد. در راستای توجه به آیین دادرسی کیفری جدید به حقوق شهروندی به‌درستی قانون‌گذار در ماده ۷ قانون مذکور با نگاه جامع از ضرورت رعایت حقوق شخصی و حقوق صنفی تمام نقش‌آفرینان در دادرسی کیفری سخن می‌گویند. مطابق این ماده، رسیدگی کیفری علاوه بر حفظ حقوق متهم و بزه‌دیده، سایر نقش‌آفرینان در فرایند رسیدگی به جرم مانند حقوق شهود و مطلعین، کارشناسان، وکلای مدافع و به‌طور کلی حقوق شخصی و صنفی همه نقش‌آفرینان فرایند کیفری رعایت شود و در فرایند دادرسی کیفری به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری، یکی از حقوق مهم، یعنی تفهیم حقوق به متهمان و بزه‌دیدگان و سایر افراد ذی‌ربط در مواردی مهم در فرایند دادرسی کیفری مورد استفاده قرار گیرد. متأسفانه قانون جدید، ضمانت اجرای بطلان به‌عنوان یک قاعده عمومی در موارد عدم رعایت تفهیم حقوق طرف‌های دعوا مورد توجه قرار نداده است و بهتر آن است که رویه قضایی در صورتی که یک اقدام تحقیقی بدون رعایت تشریفات خاص انجام شود که لطمه به منافع طرف‌های دعوا را همراه دارد، آن را بی‌اعتبار اعلام کند، که متأسفانه رویه قضایی این مهم را اجرا نمی‌کند. جامعه پوشاندن به نوآوری‌های قانونی مذکور نیازمند سازوکارهایی مناسب و لازم اداری و قضایی است که هنوز مورد توجه قرار داده نشده‌اند و توجه به این حق مهم در نظام کیفری ایران و رویه قضایی آنچنان که شایسته انسانی با کرامت و والا است، مورد غفلت واقع شده است که می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا و به‌ویژه ضابطان در پی داشته باشد. در نظام حقوقی کیفری ایران اعلام برخی از حقوق طرف‌های دعوی مورد اشاره مقنن بوده یا اساساً

پیش‌بینی نشده و یا در وضعیتی مبهم و نارسا است که در عمل خصوصاً توسط ضابطان دادگستری اعمال نمی‌شود یا با تفسیرهای متعدد باعث رفتارهای سلیقه‌ای با متهم تحت نظر گشته است که با شأن قانون‌گذاری مغایرت دارد و یا رویه‌های نادرستی مانند اخذ امضاء و اثر انگشت متهمان بر روی اوراق مربوط به تفهیم حقوق آنان بدون تفهیم و یا حتی قرائت این حقوق برای طرف‌های دعوا در میان ضابطان محترم دادگستری و مقامات قضایی شکل می‌گیرد و متداول گشته است. تصریح هریک از حقوق مورد تفهیم در متن قانون جدید جهت پیش‌گیری از بروز نظرات و رویه‌های مخالف، تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی مناسب برای انتخاب وکیل ندارند، پیش‌بینی صندوق جبران خسارت مدت بازداشت شخص بی‌گناه، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط، آموزش ضابطان و مقامات قضایی با هدف آشناساختن آنان با نوآوری‌های قانون جدید و نظارت کافی بر عملکرد آن‌ها و اعمال ضمانت اجرا در موارد عدم تفهیم حقوق طرف‌های دعوی، ایجاد فرهنگ‌سازی برای ضابطان و مقام‌های دادسرا در راستای پایبندی به قانون‌مندی و اجرای این نوآوری‌ها شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله موارد مربوط به اخلاق در پژوهش، امانت‌داری در استناد به متون و نیز ارجاعات مقاله به صورت کامل رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن با سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاس‌گذاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴). *اصول آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول: تهران: نشر خرسندی.

- تدین، عباس و خانجانی، محمدرضا (۱۳۹۵). «اصل هم‌ترازی حقوق اصحاب دعوا در فرایند دادرسی‌های کیفری». *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۳۲: ۴۱-۶۴.

- حسینی، کرامت (۱۳۹۴). تحلیل تفهیم اتهام به‌عنوان حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. پایان‌نامه ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، بوشهر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- خالقی، علی (۱۳۹۵). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ هفتم، تهران: شهر دانش.

- رحیمی، موسی و رحیمی دهسوری، رضا (۱۳۹۶). *گفته‌ها در آیین دادرسی کیفری (دکترین و رویه قضایی)*. چاپ اول، تهران: جاودانه، جنگل.

- طالبی، جلال (۱۳۹۷). *حقوق شهروندی در امور کیفری*. چاپ اول، تهران: جنگل.

- طهماسبی، جواد (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: میزان.

- کوشکی، غلامحسین و سهیل‌مقدم، سحر (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا». *مجله حقوقی دادگستری*، ۹۴: ۱۸۵-۲۱۵.

- ورائی، اکبر؛ بهرامی‌پور، رسول و پراکوهی، محمداحسان (۱۳۹۴). *حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی.

- وردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۴). *امنیت عمومی و پلیس، مجموعه مقالات*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

- ونکی، احمدرضا؛ نجفی توانا، علی و حسینی، منصوره (۱۳۹۵). *محشای قانون آیین دادرسی کیفری با آخرین اصلاحات*. چاپ اول، تهران: خرسندی.